

تحلیل آسیب‌شناسانه اقتصاد سیاسی دولت‌های نهم و دهم

مبنتی بر نظم اجتماعی داگلاس نورث

قاسم امامی^۱، سید مصطفی ابطی^۲، مسعود مطلبی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

چکیده:

کشورهای مختلف برای دستیابی به توسعه از اقتصاد سیاسی متفاوتی از جمله اقتصاد بازار آزاد یا رویکرد دولتی و بازتوزیعی بهره می‌گیرند. براساس الگوی نظری نورث، جوامع در حال توسعه جهت دستیابی به توسعه دو نوع نظم محدود و نظم باز پیش رو دارند. در نظم محدود شخصی‌گرایی، درگیری و رانت نامولد و در نظم باز روابط غیر شخصی، ائتلاف و رانت مولد مهم هستند. در این مدل نظری، اتکا به ظرفیت بومی بجای الگوبرداری از بیرون مهم است. در این پژوهش، انطباق سیاست‌های توسعه‌ای دولت نهم و دهم در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی با این نظریه می‌باشد. هدف دیگر، استفاده از این نظریه برای مطالعه توسعه در ایران و یافتن راهکارهای مناسب جهت برون رفت از مشکلات ناکارآمدی می‌باشد. چون این نظریه، نظریه‌ای آزموده شده در دستیابی به توسعه کشورهای شرق آسیا بوده است. یافته‌ها و نتایج حاصل از بکارگیری روش توصیفی-تحلیلی در این پژوهش حاکی از آن است ساختن نظم دسترسی محدود در دولت‌های مذکور، به همراه ماهیت ساخت دولت رانتهی و سیاست‌گذاری اقتصادی در راستای ایجاد منفعت برای فرادستان و الیت حاکم، مخدوش کردن فضای رقابتی به نفع گروه خاص پیروان قدرت، منجر به عدم توفیق دولت در دستیابی به توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی گردید. همچنین از عوامل دیگر می‌توان به نگاه شخصی و نبود ائتلاف و وجود مناسبات رانتهی از نوع رانت نامولد اشاره کرد. به علاوه این دولت نتوانسته با تغییر مسیر نهادی تاریخی و بهبود کیفیت نهادی مورد نظر نورث، از ساختار رانت‌پریم رهایی یابد.

واژگان اصلی: اقتصاد سیاسی، دولت‌های نهم و دهم، نظریه نظم اجتماعی نورث، نظم دسترسی محدود، نظم دسترسی باز.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران
۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
m.abtahi100@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

مقدمه

مهمترین مسئله کشور در حوزه اقتصادی و اجتماعی، توسعه جامعه ایران است. توسعه فرآیند حرکت از وضع موجود به سمت مطلوب و حرکت از نظم محدود به نظم باز است. مفهوم نوین توسعه بعد از جنگ دوم جهانی مطرح گردید. برای کشورهای در حال توسعه کارشناسان، توجه به نقش دولت در پیشبرد توسعه را مهم می‌دانند (Robinson & Acemoglu, 2012: 75). از دید نهادگرایان کنترل دولت برای اصلاحات مداوم و از بین بردن کاستی‌ها در زندگی اقتصادی ضرورت دارد. تحلیل نظم اجتماعی در این چارچوب در سال ۲۰۰۶ ابتدا توسط نورث^۱، والیس^۲ و وینگاست^۳ طرح گردید (زمانی، ۱۳۹۸: ۷۶). نورث با در نظر گرفتن مسئله خشونت به موضوع توسعه نیافتگی پرداخت (North, 2007: 3). آنها لازمه توسعه اقتصادی را بهبود عملکرد نهادها می‌دانند و مسئله اصلی، بر سر نحوه رویارویی جوامع با خشونت به دلیل شیوه تقسیم ثروت و منابع طبیعی جامعه است تا خشونت مهار نشود، توسعه رخ نمی‌دهد (نورث والیس و وینگاست، ۱۳۹۵: ۱۸-۱۷). فرآیند توسعه را فرآیند خلق رانت برای ایجاد مصالحه و نظام توزیع منافع به سوی پدید آوردن یک نظام دسترسی باز و افزایش رقابت پذیری و ایجاد نهادهای دائمی فرابخشی تعریف می‌کنند (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۳). نکته مهم نورث و همکارانش برای دستیابی به توسعه پایدار، ایجاد ساختار دموکراتیک است. نورث، نگاه سراسرمنفی به رانت را بر اساس تاکید بر رانت مولد کنار می‌نهد و بدین طریق از چارچوب مفهومی نظریات رانتیسم فراتر می‌رود (مومنی، شاکری، عرب مازار و عظیمی، ۱۳۹۸: ۱۱۷) و معتقد است در مسیر توسعه صاحبان قدرت متکثرند و بر سر دو راهی‌های مختلف قرار دارند. او بجای حذف رقبا، ائتلاف و بجای قدرت شخصی، قدرت سازمانی و بجای رانت منفی رانت مثبت را برای دستیابی به توسعه یافتگی کشورهای در حال توسعه پیشنهاد می‌کند.

ساختار تاریخی برنامه ریزی توسعه در ایران با قدمتی بیش از ۷ دهه نشان می‌دهد دولتمردان نقش کلیدی در نیل به توسعه یافتگی دارند (سریع القلم، ۱۳۸۱: ۲۷). کشور ایران جزء کشورهای پیشرو است که دولت برای شکستن دور باطل فقر به برنامه ریزی رو آورده است (مهرعلی تبار فیروزجایی، ۱۴۰۱: ۱). از زمان امیر کبیر برنامه توسعه از بالا شروع شد. در

¹ North

² Wallis

³ Joseph

سال ۱۳۱۶ با تشکیل شورای اقتصاد زمان رضا شاه، برنامه‌ها ادامه و در زمان محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۷ اولین برنامه توسعه در ایران با طراحی برنامه ۷ عمرانی ادامه یافت (کاظمیان، فرخی راد و افتخاری، ۱۳۹۲: ۳۸). برنامه‌های توسعه آن دوران رشد محور و از الگوی بیرونی پیروی می کردند. بعد از انقلاب اسلامی دولت‌ها، با اجرای سیاست‌های توسعه‌ای در صدد رسیدن به توسعه تلاش نمودند. اوایل انقلاب به دلیل جنگ تحمیلی امکان برنامه ریزی نبوده و سیاست‌ها در قالب اقتصاد دولتی و سیاست‌های بازتوزیعی شکل گرفته بود. اما پس از جنگ، سیاست‌های توسعه، در قالب برنامه‌های ۵ ساله ادامه یافت. برنامه‌ها بجای اینکه مبتنی بر مبنای مقتضیات اجتماعی، فرهنگی کشور و با نگاه جهانی باشد (زاهدی و نوائی، ۱۳۹۵: ۸۰) بیشتر رشد محور و توجهی به توسعه درونزا نگردید و در رسیدن به اهداف موفق عمل نکردند. در دولت‌های نهم و دهم دور جدیدی از سیاستگذاری‌های اقتصادی همراه شد که جهت‌گیری‌های نزدیکی با پوپولیسم اقتصادی داشت (سمیعی اصفهانی، دهقان، مختاری و باقری، ۱۳۹۹: ۵۹۵). بیشتر با نگاه غیر سازمانی، به شکل تک بعدی دنبال و از ابعاد فرهنگی و اجتماعی غافل ماند و تنگناهای زیادی را برای جامعه تحمیل نمود. قبل از تولید ثروت به عدالت و توزیع آن توجه گردید. در دولت‌های مذکور با افزایش قیمت نفت تا حدود ۱۴۰ دلار، آنها را تا سال ۱۳۹۱ به پردرآمدترین دولت کل تاریخ ایران بدل کرد و اجازه داد دولت به سیاست‌های انبساطی روی آورد (مطلبی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۸۲). دولت او به بنگاه پول پراکنی تبدیل گردد. اما عملکرد نامناسب دولت در این دوره، موجب گردید تا در ابعاد اقتصادی با وجود اولویت طرح‌های تحول اقتصادی، احداث بنگاه‌های زودبازده، طرح مسکن مهر، طرح هدفمندی یارانه‌ها و تخصیص سهام عدالت، شاهد رشد تقدینگی، گرانی، تورم و رکود شدید (مطلبی، نودیجه و بای، ۱۴۰۰: ۶۰۰-۵۹۵). در بعد اجتماعی فرو افتادن طبقه متوسط به زیر، حاشیه نشینی، فساد اجتماعی، اعتراضات خیابانی، رانت اقتصادی و سیاسی را شاهد بودیم که با مولفه حکمرانی خوب، فاصله زیادی دارد و بیشتر به نظم دسترسی محدود شکنندگی نزدیک شد. ارزیابی‌های موجود اقتصادی بر اساس سنجش ضریب جینی کشور بیانگر این واقعیت است که بخش عمده ثروت، به شکل درآمدهای رانت در اختیار الیگارش‌های سیاسی و اقتصادی قرار گرفت. نظام دسترسی محدود چنین مطلوبیت‌هایی را برای فرادستان مهیا می‌سازد (مصلی نژاد، ۱۴۰۰: ۵۷۱). در دوره احمدی نژاد با تقویت اقتصاد پنهان، ایران در شاخص فساد ۶۰ پله سقوط کرد (مصطفوی، ۱۳۹۶: ۸۱). از دلایل رشد تورم این دوره

رشد نقدینگی در دولت احمدی نژاد بود (فوزی، ۱۳۹۵: ۴۸) از دلایل تداوم نابرابری های اقتصادی و اجتماعی در ایران نادیده گرفتن نهادهای اقتصادی غیر دولتی و فعالیت نهادهای مردم نهاد بوده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۷۲). عبور کردن تعداد حاشیه نشینان شهری از مرز ۲۰ میلیون نفر نشان دهنده شکست برنامه های توسعه دولت در ایران است (مومنی، ۱۳۹۶: ۴۱). می توان گفت که ناکارآمدی نهادهای موجود به عنوان یکی از موانع مهم توسعه کشور بوده است. نکته مهم این است که ممکن است احمدی نژاد با سیاستهای اقتصاد رانتهی و پوپولیستی و با نظم دسترسی محدود شکننده، در کوتاه مدت مشکلات را التیام بخشد، اما آثار زیان بار آن تا سال های متمادی باقی خواهد ماند و منجر به تغییر سیاست های اقتصادی رانتهی و دلالی به اقتصاد تولیدمحور و رقابتی نمی گردد.

با الهام از نظریه نظم دسترسی محدود نورث برای توسعه ایران، علاوه بر داشتن برنامه سازمانی، نیازمند ایجاد نهادهای توسعه ای، جهت دستیابی به نظم دسترسی باز مهم است. این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که چگونه دولت احمدی نژاد با استفاده از نظریه داگلاس نورث می توانست به موفقیت برسد؟ در پاسخ به این سوال، فرضیه طرح شده آن است که سیاست های اقتصادی دولت احمدی نژاد می توانست بر مبنای دادن رانت مولد بجای رانت نامولد، ائتلاف بجای درگیری و نزاع و ساختارگرایی بجای شخصی گرایی موفقتر باشد. با تاکید بر نظریه نهادگرایی داگلاس نورث به بررسی سیاست های توسعه ای زمان احمدی نژاد در طی ۸ سال خواهیم پرداخت.

۱- چارچوب نظری داگلاس نورث به عنوان مدل نظری تحقیق

محور اصلی این نوشتار اقتصاد سیاسی دولت های نهم و دهم است. در مورد توسعه بعد از جنگ جهانی دوم، دیدگاه های نظری از جمله نوسازی، وابستگی، نظام جهانی و نوکلاسیک مطرح گردید. اما به علت موفق نبودن، مورد نقد محققان رهیافت نهادگرایی نوین قرار گرفت. در همین راستا نورث «نظریه نظم اجتماعی»^۱ با محوریت مهار خشونت را برای دستیابی به توسعه مطرح و ریشه های تاریخی توسعه نیافتگی را تحلیل نمود. نورث و همکارانش تاکیدشان بر اهمیت هسته قدرت، دولت و نهادها بوده و به نوعی تاکید بر عامل داخلی توسعه و توجه به صلح دارند (امامی،

^۱ Social Order Theory

ابطحی و مطلبی، ۱۴۰۲: ۴۸). نظریه مذکور به دولتمردان دوری از شخصی‌گرایی، نزاع و خشونت و رانت غیر مولد، و تلاش برای حاکمیت قانون و رقابت اقتصادی باز را پیشنهاد می‌کند. نورث استفاده از ابزارهای توسعه برآمده از تجربیات کشورهای جهان اول برای توسعه در کشورهای جهان سوم را نامناسب می‌دانند (North, 2007: 2). در نظم اجتماعی، حوامع با دو نوع «نظم دسترسی باز»^۱ و «نظم دسترسی محدود»^۲ آروبرو هستند.

۱-۱- نظم‌های با دسترسی محدود و طیف‌های آن

نظم دسترسی محدود، خلق برنامه ریزی شده رانت، و تبعیض بین فرادستان و سایرین را به نمایش می‌گذارد. این نوع نظم سد راه بازارهای شکوفا و توسعه اقتصادی بلند مدت می‌شوند (نورث و همکاران ۱۳۸۵: ۹۵). کانون نظام دسترسی محدود، ائتلاف مسلط است (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۵). نورث در تحقیقات بعدی خود نظم محدود را به بخش‌های جزئی‌تر (شککننده، پایه و بالغ) تقسیم بندی نمود.

۱-۱-۱- دولت طبیعی شککننده

جامعه شککننده نظم و امنیت در آن شککننده است (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲) و ائتلاف مسلط قادر نیست که با خشونت داخلی و خارجی به خوبی مبارزه نماید. عمر کوتاه سازمان‌ها، مبتنی بودن سازمانها بر شخصیت رهبران‌شان ویژگی دیگر است. همچنین نمی‌توانند قوانین خصوصی برای تنظیم روابط بین اشخاص خصوصی، که دولت اجرا می‌کند را فراهم کرده و اعمال کنند (نورث و همکاران، ۲۰۰۹: ۴۳-۴۲). مثال‌های امروزی آن شامل افغانستان، هائیتی، عراق است. (نورث، والیس و وینگاست، ۱۳۹۶: ۸۹)

۱-۱-۲- دولت طبیعی پایه

در این نظم، دولت به خوبی استقرار یافته و مجموعه‌ای از سازمان‌های دولتی و غیر دولتی وجود دارند. و ساختار سازمانی تخصص‌گرایی دارند و ظرفیت خشونت در بین سازمان‌های دولتی به صورت انتشار یافته باقی می‌ماند (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۷-۹۳) ائتلاف‌ها کمتر در معرض نوسانات درونی ناشی از شخصیت افراد قرار می‌گیرد. نمونه‌های معاصر، کشورهای برمه، کوبا، کره شمالی را در بر می‌گیرد. در اینجا هر سازمان خصوصی تهدیدی بالقوه برای ائتلاف

^۱ Open Access Order

^۲ Limited Access Order

غالب می باشد (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶-۹۲). از اینرو نظم دسترسی محدود پایه، قادر به حمایت از یک جامعه مدنی فراگیر نیستند و ظرفیت خشونت پراکنده در آن باقی می ماند.

۱-۳- دولت طبیعی بالغ

جوامعی را در بر دارد که دولت ساختار باثبات دارد. اما این نوع نظام همچنان دسترسی به سازمانهای خصوصی مورد حمایت دولت را محدود می سازد. ائتلاف مسلط با استفاده از این شیوه برای رقابت محدودیت به وجود می آورد و به خلق رانت دست می زند تا خود را حفظ کند. شکلی از حاکمیت قانون برای سازمانهای دارای شخصیت حقوقی در دولت طبیعی بالغ ظهور می کند تا بتواند از قراردادهای بین و درون سازمانی پشتیبانی کند بتواند از مصادره سازمان ها توسط دولت و ائتلاف حاکم حمایت کند. با این حال هنگامی که چیدمان امتیازات بین اعضای ائتلاف حاکم تغییر می کند حاکمیت قانون آسیب خواهد دید (نورث و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۸-۴۶). نظام دسترسی محدود بالغ می تواند مناسبات نهادی خود را به صورتی توسعه دهد که امکان مبادله غیرشخصی میان نخبگان قدرت پدید آید (رنانی، ۱۳۹۵: ۹).

۱-۲- نظم دسترسی باز

نظم دسترسی باز بر مبنای رقابت و دسترسی باز به سازمان ها است و حکومت قانون انسجام جامعه را حفظ می کند. در این جوامع استفاده از رقابت و نهادها به نفع مقامات سیاسی خواهد بود تا حاکمیت قانون اساسی را مدنظر قرار دهند که شامل کنترل سیاسی تثبیت شده بر همه سازمان ها در برابر خشونت عمده است. اکنون جوامع غربی از چنین نظمی برخوردارند (North et al, 2006: 4-5). اساس نظم با دسترسی آزاد، اداره جامعه با ایجاد رقابت می باشد (مومنی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۱). در اینجا قوانین غیر شخصی تسهیل کننده دسترسی همه شهروندان به منابع اقتصادی و سیاسی است. رقابت آزاد اقتصادی و سیاسی و مالکیت خصوصی و سیستم مدیریت افقی، ثبات اجتماعی را حفظ و امر توسعه را میسر می سازد.

۱-۳- چگونگی گذار از جوامع با نظم دسترسی محدود به نظم دسترسی باز

جوامع از نظر نورث پیوسته در حال تغییر هستند. گذار به نظم دسترسی باز با تقلید از نوع باز امکان پذیر نیست. بلکه حرکت از جامعه شکننده به جامعه بالغ مهم است (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲). ابتدا باید ائتلاف های شخصی به ائتلاف های غیرشخصی تبدیل و با شکل گیری سازمان های باثبات، زمینه جایگزین شدن رانت های نامولد به رانت مولد فراهم آید. توزیع رانت های مولد سبب

حرکت جامعه به سوی نظام با دسترسی باز شده و امکان مشارکت تمام افراد مهیا و نهادهای اقتصادی فراگیر زمینه ساز تخریب خلاق شده و به دنبال آن توسعه اقتصادی را فراهم می آورد (قارآخانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۷). برای این مهم، باید میان نخبگان حاکمیت قانون برقرار و از دخالت نظامیان در فرآیند سیاسی جلوگیری و رعایا تبدیل به شهروندان برابر می شوند و دولت با آنها برخوردی غیر شخصی داشته باشند (گرچی از ندریانی و شفیع سردهشت، ۱۳۹۲: ۷۷).

نتیجه بحث، از دید بسیاری از پژوهشگران اقتصاد سیاسی، سیاست های توسعه ای دولتهای بعد از انقلاب اسلامی ایران با استفاده از نظرات واقع گرایانه نورث قابل تحلیل است. به این جهت با بهره گیری از نظریه نظم اجتماعی داگلاس نورث، می توان اقتصاد سیاسی دولتهای نهم و دهم را مورد واکاوی قرار داد.

۲- بررسی اقتصاد سیاسی دولت های نهم و دهم

نظام های سیاسی متفاوت، دارای اقتصاد سیاسی مختلفی و مسیر تخصیص منابع کمیاب را میان ذینفعان تعیین می نمایند. الگوی نئوکلاسیک بیشتر دارای اقتصاد سیاسی بازار آزاد و الگوی دولتهای رانتیر، بیشتر با سیاستهای بازتوزیعی قابل تبیین می باشد. اقتصاد سیاسی دولتهای نهم و دهم در چارچوب «پارادایم بازتوزیعی» قابل تبیین می باشند. اقتصاد ایران با دولت رانتی به دلایل نهادهای غیر رسمی تاریخی، غارتی است (رضا قلی، ۱۳۸۵: ۱۳۳). درگیر وضعی است که می توان نام آن را (تو در توی نهادی) گذاشت. نهاد در نهاد، دستگاه در دستگاه و قانون در قانون (مهرعلی تبار فیروزجایی، ۱۴۰۱: ۱۶). در کنار دولتی بودن اقتصاد، انحصاری بودن ویژگی دیگر است. دلایل ایجاد انحصارهای دولتی در ایران از جمله قانون اساسی، قانون خاص، درآمدهای نفتی، هزینه بالای اعمال قراردادهای حقوقی، محدودیت بازار و ... می باشد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۳۴-۱۳۱). ماهیت رانتی دولت های بعد از انقلاب بویژه دولت احمدی نژاد، درآمد بالای نفتی افزایش یافت (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۴). این دولت ها، سالانه ۵ برابر دولت سازندگی و ۴ برابر دولت اصلاحات از فروش نفت درآمد داشته است (گزارش راهبردی مدیریت منابع نفتی و تاثیر مالی پروژه های نفتی، ۱۳۹۱: ۸).

دولت موسوی «سیاست بازتوزیعی»، دولت سازندگی به «خصوصی سازی اقتصاد» و دولت خاتمی به «توسعه سیاسی» همت گماردند. رویکرد غالب برنامه پنجم توسعه (پیشرفت همراه با

عدالت: استقرار الگوی توسعه اسلامی- ایرانی) است (گرائی نژاد و وفائی، ۱۴۰۱: ۸). دو دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد با سیاست اقتصادی مبتنی بر اقتصاد اسلامی و عدالت روی کار آمد و سیاست آوردن پول نفت بر سر سفره های مردم را اجرایی کرد. احمدی نژاد با نفی الگوی تعدیل ساختاری، اعتقاد به الگوی بومی توسعه داشت. تلاش های غیر قابل انکاری برای توسعه کشور انجام گرفت ولی چندان موفق نبود و می توانست با درس آموزی از مولفه های نورث، موفق تر عمل نماید. برای تبیین اقتصاد سیاسی دولت های مذکور به چهار طرح اقتصادی اجرا شده آن زمان اشاره می شود.

۱-۲- هدفمندی یارانه‌ها

هدفمندی یارانه ها به عنوان یکی از شاخه های ذیل ابرحوزه سیاست گذاری اقتصادی دولت احمدی نژاد، اشاره به آزادسازی قیمت های حامل انرژی و حذف یارانه های غیر مستقیم و بازتوزیع درآمد حاصل از آن در بین شهروندان جامعه جهت رفاه ملی اشاره دارد. هدفمندی یارانه ها طرحی بود که در اوایل دولت هاشمی مطرح شد و در دولت اصلاحات پشت گوش انداخته شد تا اینکه دولت محمود احمدی نژاد، آن را اجرا کرد (بخشایشی اردستانی و رضایی جوزانی، ۱۳۹۷: ۳۶). در این فرآیند با حذف تدریجی یارانه ها از مواد سوختی، مواد خوراکی، آب، برق در ایران، بخشی از این یارانه ها حذف و به صورت نقدی به مردم پرداخت می شد. سایر درآمد این کار، صرف کارهای عمرانی و فرهنگی می شد و هدف از اجرای آن کاهش فاصله دهک های درآمدی بود (بخشایشی اردستانی و رضایی جوزانی، ۱۳۹۷: ۳۷). هدف از اجرای این طرح مواردی چون بهبود توزیع درآمد و بهره وری مصرف حامل های انرژی، کاهش قاچاق حامل های انرژی و اصلاح کارایی اقتصادی عنوان گردید. این در حالی است تخلفات اجرایی در دو سال نخست (مانند افزایش نرخ تورم) مجلس شورای اسلامی را به واکنش واداشت و در نتیجه دولت دهم تا پایان دوره کاری خود موفق به کسب مجوز اجرای فاز دوم نگردید (مصلی نژاد و یزدانی زازرانی، ۱۳۹۲: ۷). هدفمندی یارانه ها از حیث مکانی بیشتر به نفع مناطق روستایی تا شهری بوده است (حاتمی و کلاته، ۱۳۹۳: ۱۸). حدود ۹/۶ میلیون نفر از جمعیت نقاط شهری و ۱۵/۵ میلیون نفر از جمعیت نقاط روستایی از اجرای این قانون منتفع می شوند (هادی زنوز و مهرآذین، ۱۳۹۰: ۲۵).

۲-۲- سهام عدالت

سیاست اقتصادی دیگر دولت طرح سهام عدالت بود. آئین نامه ی اجرایی توزیع سهام عدالت

به واقع توزیع سهام شرکتهای دولتی در میان اقشار کم بضاعت جامعه است که در اوایل کار دولت نهم، به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی در راستای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و مطابق ماده ۹ برنامه چهارم توسعه و در جهت عملیاتی کردن ماده های ۳۴ الی ۳۸ برنامه توسعه مذکور، در قالب "آئین نامه اجرایی افزایش ثروت خانوار ایرانی از طریق گسترش سهم بخش تعاون بر اساس توزیع سهام عدالت" در سیزده ماده به تصویب هیئت وزیران رسید. از سال ۱۳۸۵ فعالیت های مرتبط با افزایش ثروت خانوارهای ایرانی از طریق افزایش سهم بخش تعاون در دستور کار وزارتخانه اقتصاد و دارایی قرار گرفت و وجه عملیاتی یافت. آئین نامه مذکور در فروردین سال ۱۳۸۸ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد. تدوین کنندگان اهداف پیگیری شده طرح را گسترش مالکیت واحدهای تولیدی در بین اقشار کم درآمد از طریق افزایش سهم بخش تعاون معرفی می کردند. اهداف دیگر کاهش خطرات ناشی از تمرکز دولت، بهبود توزیع ثروت و درآمد و تسریع در روند خصوصی سازی اقتصادی است (برزگر و حسین زاده، ۱۳۹۶: ۱۱۸). مهمترین اهداف دولت نهم از اجرای طرح توزیع سهام عدالت، توزیع متعادل ثروت ملی و گسترش مالکیت در سطح عموم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، متکی به خود نمودن خانواده های نیازمند و کاهش وابستگی آنان به کمکهای دولت از طریق نهادهای حمایتی، ایجاد درآمد دراز مدت برای خانواده های کم درآمد، تشویق به سرمایه گذاری منجر به بهبود درآمد خانوارها بوده است (صفری شالی و هزارجریبی، ۱۳۹۲: ۶۵۱). ارزش برگه های سهام عدالت در ابتدا، ۵۰۰ هزار تومان بود که بعد به یک میلیون تومان افزایش یافت (بخشایشی اردستانی و رضایی جوزانی، ۱۳۹۷: ۳۶).

۲-۳- بنگاه های زودبازده

بنگاه های زودبازده نهادهای محدود اقتصادی هستند، که از طریق انباشت محدود مالی و ارتباط با صنعت، زمینه رشد اقتصادی را فراهم می آورند. تاثیر این نهادهای محدود اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهایی همچون آلمان و مالزی به اثبات رسیده است. دولت احمدی نژاد نیز سعی کرد از ظرفیت بنگاههای زودبازده در جهت رفع بیکاری و رسیدن به عدالت اقتصادی و اجتماعی بهره گیرند. هر چند نتوانستند در جهت پیشرفت اقتصادی آن طور که شایسته است از آن استفاده نگردید. هیات وزیران در مورخ ۸۴/۸/۱۹ بنا به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی و وزارت کار و امور اجتماعی، اقتصاد و امور دارایی و بانک مرکزی و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و موادی از برنامه چهارم توسعه، آیین نامه اجرایی گسترش بنگاه های زودبازده را با

اهداف ساماندهی بنگاه‌های زودبازده، توزیع عادلانه درآمد بین اقشار مردم، افزایش تولید و صادرات آن و اشتغال زایی مصوب و برای اجرا ابلاغ نموده است (شاه طهماسبی، جوادیان و نیکبخت، ۱۳۹۱: ۳۴). طرح بنگاه‌های زودبازده با اعتبار اولیه حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان با هدف ایجاد یک میلیون و دویست هزار فرصت شغلی جدید به اجرا در آمد (شاه طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۳-۳۲). در سال ۸۵ بودجه هشت هزار میلیاردی اختصاص یافته به این طرح، منجر به ایجاد ۴۲۶ هزار شغل شد این وضعیت در سال ۸۸ و ۸۹ به شکلی شد که شاید به راحتی بتوان این دوسال را سال‌های توقف اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده تلقی کرد که در مجموع ۶۷ هزار شغل جدید ایجاد شد (شاه طهماسبی و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۴). منتقدان این طرح معتقد بودند این طرح‌ها با انحرافات فراوانی روبرو بوده است.

۲-۴- صندوق مهر امام رضا

یکی دیگر از طرح‌های اقتصادی دولت‌های نهم و دهم، برنامه‌های صندوق مهر امام رضا است. دولت احمدی نژاد در جهت تحقق عدالت اقتصادی تلاش نمود با اعطای تسهیلات بانکی به جوانان برای ایجاد اشتغال و سرمایه‌گذاری در امر تولید، انباشت سرمایه جوانان را آماده تا با رونق سرمایه‌گذاری در امر تولید، اشتغال برای جوانان مهیا و در نهایت پیشرفت اقتصادی حاصل گردد. اقدامات دولت احمدی نژاد در امر ازدواج، مسکن و شغل در قالب صندوق اشتغال، ازدواج و مسکن مهر امام رضا (ع) متبلور شد. این صندوق که از ادغام صندوق قرض الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق ازدواج جوانان در صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی ایجاد شد. طی بخشنامه بانک مرکزی در سال ۱۳۹۱ از فعالیت موسسات صندوق‌هایی که از اسم ائمه (ع) بهره می‌برند جلوگیری و تغییر نام آنها ضرورت پیدا کرد. لذا صندوق مهر امام رضا (ع) با عنوان صندوق کارآفرینی امید به فعالیت ادامه داد. این صندوق تسهیلاتی نیز در بخشهای مربوط به خرید کالا و طرح‌های زودبازده ارائه می‌کند که البته در برخی از حوزه‌های یاد شده مانند مسکن کمتر توانسته اقدامات موثری داشته باشد، به نحوی که مدیرعامل این صندوق قبلاً اعلام کرد که عدم توفیق در پرداخت تسهیلات مسکن به دلیل کمبود اعتبارات است (جهان نیوز، ۳ مرداد ۱۳۹۰). قابل ذکر است که از سه وظیفه حمایت از مسکن، ازدواج و اشتغال زایی، صرفاً اشتغالزایی مورد حمایت واقعی صندوق بوده به طوری که ۸۶ درصد تسهیلات صندوق مهر امام رضا به تسهیلات اشتغال زایی مربوط می‌شده است (اقتصاد آنلاین ۱/۹/۱۳۹۳).

در یک جمع بندی از اقتصاد سیاسی دولت های نهم و دهم می توان گفت «سیاستهای اقتصادی بازتوزیعی» در این دوران حاکم بوده است. عملکرد اقتصادی دولت های نهم و دهم نشان داد که فرآیند توسعه نامتوازن دولت نه تنها به ایجاد رفاه و عدالت اقتصادی که شعار اصلی او بود محقق نگردد، بلکه به نوعی این سیاستها باعث تورم بیشتر، نقدینگی بالاتر و ایجاد بحران نمود. از دلایل تداوم نابرابری ها، نادیده گرفتن نهادهای اقتصادی مردم نهاد بوده است (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۴: ۷۲). متوسط رشد اقتصادی کشور و تولید ناخالص داخلی در سال های ۹۲-۸۴ روند نزولی را پیدا کرد، بطوری که از رشد ۶/۹ در سال اول به ۱/۹- در سال آخر رسید. نرخ تورم از ۱۰/۴ در سال ۱۳۸۴ به حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۹۲ می رسد و رشد اقتصادی از ۶/۴ به ۵/۴- سقوط کرده است (خدا بخشی، خالدی و آسوده، ۱۳۹۷: ۱۰۲). قابل ذکر است ابتدا ضریب جینی به حدود ۳۷۵. مجدداً افزایش یافت (مصلى نژاد، ۱۴۰۰: ۲۲۸). میزان خالص اشتغال ایجاد شده در فاصله سال های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ صفر بوده است. تقریباً هیچ شغلی ایجاد نکرد و صرفاً جابجایی شاغلان از بخش کشاورزی و صنعت به بخش ساختمان و حمل و نقل را شاهد هستیم (نیلی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۴). عملکرد دولت های مذکور نشان داد اکثر شاخص های کلان اقتصادی و اجتماعی به دلیل «تمرکزگرایی» و سیاست های انبساطی بجای سرمایه گذاری مولد و تضعیف نهادهای اقتصادی و اجتماعی تنزل پیدا کردند.

۳- تطبیق اقتصاد سیاسی بازتوزیعی دولت های نهم و دهم با مولفه های نظریه نورث

پس از تحلیل اقتصاد سیاسی دولت های نهم و دهم، حال به تطبیق مولفه های نورث (شخصی گرایی یا سازمانگرایی، درگیری و نزاع یا ائتلاف و رانت غیر مولد یا رانت مولد) که در چارچوب فرضیه ای بیان شد با سیاست های اقتصادی دولت های مذکور پرداخته خواهد شد.

۳-۱- نهادها و کیفیت نهادی

یکی از شاخص های مهم نظریه نورث توجه به کیفیت نهادی در دستیابی به توسعه است. نورث نهاد دولت و نهاد اساسی مالکیت را در توسعه یافتگی مهم می دانند. این دولت است که مسئولیت پیشرفت یا عقب افتادگی کشوری را بر عهده دارد (مصلى نژاد، ۱۳۹۹: ۲۸).

نگاهی به وضعیت رشد اقتصادی ناموزون در ایران، نشان می دهد کارایی نهادی به سبب عملکرد مبتنی بر انگیزه های شخصی و سیاسی نخبگان حاکم، به ائتلاف فرصت ها و منابع منجر

می‌شود (استوار، ۱۳۹۷: ۳۲). بررسی ساختار نهادی جامعه ایران بیانگر این واقعیت است که دولت مسلط بر اقتصاد بوده است و قدرت اقتصادی به عنوان ابزاری برای تداوم و قدرت سیاسی است. (رنجبرکی، ۱۴۰۰: ۱۵۷). دولت‌های نهم و دهم مثل دولت‌های قبل از خود به کیفیت نهادهای فراگیر اهمیت کمتری قائل بود و با تضعیف برخی نهادهای تاثیرگذار در نهاد اقتصاد و سیاست به دلیل روحیه تمرکزگرایانه و شخصی‌گرایانه، منجر به محدودسازی رشد نهادهای فراگیر شدند. دولت دهم با نگاه بدبینانه به نهادها، آن را تضعیف کرد، بطوری که سال ۱۳۸۴ بیش از ۴ هزار سمن در کشور فعال و این مقدار از سال ۸۴ تا ۹۲، به ۵۴ سمن رسید (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۴۳). نمونه دیگر، تضعیف نهاد بانک مرکزی است (توحیدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۰). ایشان سعی می‌کرد بر اقتصاد ایران همچون سیاست، حاکم و سیاستهای اقتصاد باز توزیعی خود را اجرا نماید. به علت عدم اطمینان به سازمان برنامه و بودجه به عنوان مهمترین نهاد اقتصادی، در راستای منافع الیگارشی حاکم، دست به انحلال آن زد. اما مسیر دولت رانتیری و نهادهای بهره‌کش حاصل از این ساختار را طی نمود و به سمت دسترسی محدود رفت و موجب آسیب به کشور شد. در حالی که می‌توانست با تغییر مسیر به سمت دولت تولیدی و قراردادی با تقویت نهادهای فراگیر و مشارکت همه در سپهر سیاست ایران، به سمت توسعه اقتصادی حرکت و موجب توسعه پایدار گردد.

۳-۲- حاکمیت قانون و اهمیت فسادزدایی

مولفه دیگر نورث، توجه به حاکمیت قانون است. از دید نورث حاکمیت قانون برای فرادستان، عنصر محوری است. در اینجا مبادله غیر شخصی و سازمانی مهم است (نورث و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۴۳). منظور از حاکمیت قانون در فرآیند حکمرانی، این است که سیاستگذاران همانند شهروندان، در برابر قوانین یکسان و نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۷). حاکمیت قانون در دولت احمدی‌نژاد سلیقه‌ای اجرا می‌شد و سعی می‌کرد مشارکت غیر مستقیم در سپهر سیاسی کشور را کم و به صدور مجور به شکل‌های سیاسی می‌پرداخت تا نهادهای سیاسی همسو با خود تاسیس کند (غفاری و رستم‌پور، ۱۴۰۰: ۱۷۲). اجرای نادرست قانون هدفمندی یارانه‌ها، رواج دورزنی قانون ساختار سیاسی و اداری کشور، موجب حذف تدریجی طبقه متوسط شد، زیرا هر لحظه افرادی که توانایی استفاده از رانت‌های دولتی را داشتند، فریه‌تر می‌شدند، کما اینکه محمدرضا خاوری‌ها، بابک زنجانی‌ها

و غیره در دل این جریان متولد شدند و از سوی دیگر طبقات فرودست با رشد نابسامان تورم در کشور، هر روز فقیرتر می شدند (مطلبی و ملک پور، ۱۳۹۸: ۳۸). نمونه دیگر تضعیف حاکمیت قانون، پرداخت تسهیلات بنگاه‌های زودبازده بوده است که بطور میانگین حدود ۱۶ درصد طرح‌ها، صوری بوده و متقاضیان تسهیلات بنگاه‌های زودبازده، اساساً اقدام به ایجاد طرح نکرده و تسهیلات را در محل دیگری هزینه کرده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۸: ۵۶). در شاخص فساد به ویژه نوع اداری، دوران عدالت محور، بالاترین رتبه فساد را تجربه کرده است. رتبه فساد سیاسی در ایران در سال ۲۰۰۵، ۱۰۸ از ۱۳۵ کشور، سال ۲۰۰۶، ۱۱۹ از ۱۵۵ کشور، سال ۲۰۰۷، ۱۳۱، ۱۷۵ از ۱۷۵ کشور، سال ۲۰۰۸، ۱۳۵ از ۱۷۸ کشور، سال ۲۰۰۹، ۱۴۲ از ۱۸۱ کشور، سال ۲۰۱۰، ۱۳۷ از ۱۸۳ کشور، ۲۰۱۱، ۱۲۹ از ۱۸۳ کشور، ۲۰۱۲، ۱۴۴ از ۱۸۳ کشور و سال ۲۰۱۳، ۱۴۵ از ۱۸۵ کشور بوده است (توسلی رکن آبادی و اسمعیلی، ۱۳۹۹: ۲۲۷۰). دولت‌های نهم و دهم می‌توانستند با تکیه بر قانون و با تعامل سازنده با قوای دیگر، کشور را در مسیر سرمایه‌گذاری نوآورانه رهنمود سازند و با گذار از نظم محدود شکننده به سمت پایه و سپس به نظم دسترسی بالغ می‌توانست با ایجاد نهادهای فراگیر زمینه رشد اقتصادی را فراهم سازند.

۳-۳- کنترل سیاسی نظامیان در نهادهای اقتصادی و سیاسی

شاخص مهم دیگر در دستیابی به نظم باز نورث، عدم مداخله نظامیان در نهادهای اقتصادی و سیاسی است. در ایران نظامیان به عنوان مهمترین گروه رسمی نهادی، نقش تعیین کننده ای در تحولات سیاسی جامعه ایران داشته‌اند. (رنانی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷۱) در دولت احمدی نژاد نقش نظامیان پررنگ تر بوده است. به طوری که در ترکیب کابینه وی ۲۵/۸۰ نظامیان بوده‌اند. در دوره هشت ساله خاتمی ۹/۷۲ درصد نظامی بودند و در دوره مجموع دو کابینه هاشمی رفسنجانی ۸/۲۵ درصد را نظامیان تشکیل می‌دادند (عیوضی و رضائی، ۱۳۸۹: ۶۸). نظامیان در این دوره در عرصه نهادهای اقتصادی نیز حضور فعال داشتند. در اختیار گرفتن ۸ درصد از بودجه عمرانی کشور (در سال ۱۳۹۱ معادل ۴۰ هزار میلیارد تومان) توسط قرارگاه سازندگی خاتم الانبیا نمونه‌های حضور نظامیان در نهادهای اقتصادی است (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۵). دولت‌های مذکور جهت گذار به نظم باز نورث، نه تنها اقدامی در کنترل نظامیان در امور سیاسی و اقتصادی ننموده، بلکه قدرت آنها را بیشتر نموده و نتوانست در گذار به نظم باز موفق عمل نماید.

۳-۴- اصلاح ساختار حقوق مالکیت

نورث حقوق مالکیت را به عنوان منشاء انقلاب های اقتصادی اول و دوم دانسته و سطوح متفاوت توسعه در کشورها را به عملکرد متفاوت نظام های حقوق مالکیت آنها مرتبط دانسته است. تصریح بهتر حقوق مالکیت در کشورهای توسعه یافته، هم اختراع و هم نرخ خصوصی بازدهی را افزایش داده است (نورث، ۱۳۷۹: ۹۰-۸۴). داستان حقوق مالکیت در ایران سابقه غم انگیزی دارد داستان تکراری رانت غارت است. از همه چیزخبری بوده جز حقوق مالکیت کارا که به فراموشی سپرده شد (رضا قلی، ۱۳۸۵: ۱۲۰). در دولت احمدی نژاد با اقدامات سلیقه ای ایشان دارایی های عده ای زیاد از شهروندان بر باد رفت نمونه آن نگاه منفی به بورس بوده است که عده زیادی متضرر شدند.. احمدی نژاد بازار بورس را به عنوان نوعی قماربازی محکوم کرد (آبراهامیان، ۱۳۹۷: ۳۳۶). این در حالی است که بورس می تواند یکی از منابع انباشت سرمایه، جهت سرمایه گذاری برای توسعه اقتصادی باشد. شایان ذکر است قوانین کمی از مالکیت های فکری حمایت می کنند و قانون کپی رایت و بخصوص استفاده وسیع و رایگان از نرم افزارها، نقض مالکیت های طراحی های صنعتی و نشان های تجاری و حق مولف در ایران از دیگر موارد نا امنی مالکیت محسوب می شوند.

۳-۵- توجه به اصل رقابت و خصوصی سازی

خصوصی سازی مولفه مهم دیگر نورث، در توسعه است. در نظم باز، خصوصی سازی کمتر به قدرت انحصاری و توزیع رانت برای گروهی خاص می انجامد. رقابت سیاسی از دسترسی آزاد در اقتصاد حفاظت می کند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۸). در ادبیات جدید توسعه دولت، نقش مکمل بخش خصوصی را دارد، دولت در خاور دور و آمریکای لاتین دست بخش خصوصی را گرفته تا با یکدیگر فرآیند توسعه را طی کنند (سریر القلم، ۱۳۸۱: ۳۰۷). در ایران وضعیت معکوس برقرار است.

فلسفه خصوصی سازی کاهش اندازه دولت در اقتصاد، افزایش بهره وری و کاهش هزینه تولید است. سهم مشارکت بخش خصوصی و مردمی در روند خصوصی سازی ایران ناچیز است. تصدی گری بیشتر دولت بعد انقلاب در عمل مانع از پیدایش فضای رقابتی جدی در عرصه اقتصاد شد. به دلیل عدم رقابت واقعی و برخورداری افراد متنفذ از رانت های اطلاعاتی فساد اداری و اقتصادی یا رانت های غیر قانونی افزایش یافت (بخشایشی اردستانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۸). در دولت های نهم و دهم همانند دولت های قبل خصوصی سازی واقعی انجام نشد. برندگان اصلی

طرح خصوصی سازی، نهادهای همپوند بودند. در این دوره سهام ۲۶۴ شرکت به ارزش بیشتر از ۵۴ هزار میلیارد تومان واگذار شده است که بخشی از طریق سهام عدالت، بخشی به صورت رد دیون دولت به سازمان هایی نظیر تامین اجتماعی، و بخشی نیز در بورس به صورت مزایده و دولتی فروخته شده است. بیشتر از ۸۰ درصد سهامی که در بورس عرضه شده از سوی شبه دولتی ها خریداری شده است. عمده سهامی که نظیر شرکت مخابرات واگذار شده نصیب شرکت هایی نظیر سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) شرکت سرمایه گذاری مهر اقتصاد ایرانیان شده است. قدرت گیری نهادهای شبه دولتی در این دوره، محیط نهادی ضعیف و اقتصاد توسعه نیافته کشور منجر به ظهور الیگارشسی غیرحکومتی و آسیب های جدی به بخش خصوصی اقتصادی کشور شده است (حاجیلو، ۱۳۹۶: ۱۰۴). در حال حاضر اقتصاد کشور دارای ۴ بخش دولتی، تعاونی، خصوصی و شبهه دولتی است (غفاری، صادقی و جهرمی، ۱۳۹۸: ۸۷). در حالی که دولت با نقش تسهیلگرانه می توانست با کمک بخش خصوصی سرمایه گذاری را گسترش و موجب اشتغال و تولید و رونق اقتصادی کشور گردد.

۳-۶- سازمان گرایی و ساختارگرایی یا شخصی گرایی

برقراری روابط شخصی، یکی از مشخصه های بنیادی نظامهای دسترسی محدود است. در نظامهای دسترسی باز، روابط غیرشخصی حاکم است. (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵) نظام حاکمیت سیاسی ایران و مشخصاً در دولت های نهم و دهم روحیه شخصی گرایی حاکم بوده و ویژگی نظام های دسترسی محدود را در این دوره نشان می دهد. در دولت های مذکور تصمیمگیری در امور مختلف از جمله در حوزه اقتصاد سیاسی، بر اساس سیستم علمی نبوده؛ بلکه براساس نظر افراد دارای قدرت بوده است. حذف سازمان های قدرتمند از جمله انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی در این چارچوب قابل تحلیل است تا بدون رقیب بتواند به اهداف مد نظر الیگارشسی حاکم دست یابد. اوج سیاستهای توزیعی و بازتوزیعی، با شعار عدالت محوری و آوردن پول نفت بر سر سفره مردم در دولت نهم و دهم نمونه سیاست شخصی گرایی است. اقداماتی مانند پرداخت یارانه نقدی، ساخت مسکن مهر و تأسیس صندوق مهر رضا، در این چارچوب انجام گرفت (حیدری، ۱۳۹۸: ۸۱). سیاستهای اقتصادی با هدف شخصی، در پی اثتلاف سازی با فرودستان جهت تقویت پایگاه سیاسی خود انجام می گردید. احمدی نژاد از طریق سیاستهای انبساطی پولی و مالی، زمینه تغییر در متغیرهای اقتصادی را فراهم آورد که به عرصه ای برای

جلب آراء مردم و پیروزی در انتخابات تعیین یافت (گلشنی و شهبازی، ۱۳۹۵: ۸۷). دولت‌های مذکور می‌توانستند با نگاه سازمانی مد نظر نورث، با درآمد بالای نفتی، نهادهای فراگیر برای تخریب خلاق ایجاد و انگیزه پیشرفت از راه تولیدمحوری را مبنا قرار دهند و با تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری راه توسعه را هموار نمایند.

۳-۷- ائتلاف یا درگیری

از نظر نورث خروج از دالان نزاع‌های سیاسی و ورود به ائتلاف با گروه‌های رقیب می‌تواند مسیر توسعه را هموار نماید. در گذار از نظم دسترسی محدود به باز، ایجاد سیستم ائتلاف بجای درگیری، مهم است. (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۳) با افزایش درآمدهای نفتی در دوره احمدی‌نژاد و توزیع این درآمدها در میان نهادهای دارای قدرت سیاسی و نظامی و همچنین وقوع تحریم‌های جدید آمریکا و سازمان ملل علیه ایران، زمینه افزایش تمرکز قدرت در کشور بیشتر پدید آمد (رنجبرکی، ۱۴۰۰: ۱۷۵). دولت‌های نهم و دهم تمایلی به پذیرش گروه‌های سیاسی و نخبگان رقیب نداشتند. الگوی رفتاری احمدی‌نژاد بر اساس ساز و کارهای مقابله جویانه برای تغییر در ساخت قدرت، حلقه نخبگان سیاسی بوده است (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۵۸۳). در این دوره‌ی اختلافات بین‌قوا کاملاً مشهود است و همچنین تغییرات پی‌در پی اعضای کابینه و استناداران، بر ثبات سیاسی و مدیریت امور کاملاً تأثیرگذار بود. افزایش درآمدهای نفتی سبب اختلافات داخلی دولت پوپولیستی و پرخاشجو با قوای مقننه و قضائیه و همچنین اختلاف با علما و در مواردی اختلاف با رهبری شد (محسنی و حاجی‌ملاعلی، ۱۳۹۷: ۷۷). عزل وزیر اطلاعات حیدر مصلحی و خانه نشینی ۱۱ روزه رییس‌جمهور، نشان از بروز این شکاف دارد. احمدی‌نژاد ترجیح داد در ترکیب دولت دهم از شخصیت‌هایی استفاده کند که به وی نزدیک باشند (فیرحی و پورعلی، ۱۳۹۴: ۱۵۴). احمدی‌نژاد با اتخاذ سیاست ائتلاف بجای درگیری، می‌توانست به گروه‌های رقیب رانت مولد دهد تا با سرمایه‌گذاری در بخش تولید به رونق تولید کمک نماید و اشتغال ایجاد نماید و به نوعی کشور را به سمت اقتصاد باز ببرد.

۳-۸- رانت مولد یا رانت غیر مولد

نورث فرآیند توسعه را، فرآیند خلق رانت، برای ایجاد مصالحه تعریف می‌کنند (نورث و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۹۲-۴۹۱). او، نگاه سراسر منفی به رانت ندارد و معتقد است رانت منفی را باید کنار نهاد و برای پیشبرد امور توسعه‌ای و جلوگیری از خشونت گاهی رانت مولد را تجویز می‌کند.

نماید. ایت های سیاسی با توافق بر سر تقسیم رانت حاصل از منابع، دیگر نیازی به اعمال خشونت نمی بینند (نورث و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۳).

در دولت های نهم و دهم، نوع مولد رانت مد نظر نورث، کاربرد کمتری دارد. بیشتر رانت غیر مولد در مناسبات الیگارشسی حاکم برقرار بوده است که جلوی نوآوری و افزایش کارایی را گرفت. وام های بانکی نمونه ای از رانت های نامولد زمان دولت احمدی نژاد می باشد که نه تنها به ایجاد اشتغال پایدار کمک زیادی نکرده، بلکه به مصرف آن در اموری غیر از تولید، منجر به عدم توسعه اقتصادی گردید. رقم بالای مطالبات مشکوک‌الوصول تسهیلات، دلالت بر وجود برخی سوء استفاده ها در منابع بانکی دارد. تسهیلات تکلیفی که ناشی از مصوبات و پروژه های دولتها در دورانهای مختلف است، نشان می دهد اعطای این نوع تسهیلات می تواند موجب کاهش نرخ ذخیره قانونی شود و از این طریق موجبات افزایش تورم و برهم خوردن توزیع درآمد را فراهم نماید (سبحانی، مومنی و چهاربند، ۱۳۹۷: ۲۶۸). دادن وام و تسهیلات تکلیفی به بنگاه های زودبازده و یا دادن سهام عدالت و یارانه ها به مردم که در لابلای سطوح بالا تحلیل و آسیب شناسی شد نشان از آن دارد که رانت های غیر مولد بجای تشویق نوآوری و مناسبات تولیدی بیشتر در جهت تشویق نهادهای بهره کش انجام شد.

با بررسی هشت مولفه مد نظر نورث، برای تبیین اقتصاد سیاسی دولتهای نهم و دهم نتایج نشان داد که اگر دولت های مذکور بر مبنای سازمانی، ائتلاف و رانت مولد حرکت می کرد، می توانست موفق تر عمل نماید.

نتیجه گیری

اهمیت نظریه نورث با عنوان «نظریه نظم اجتماعی» با محوریت مهار خشونت برای دستیابی به توسعه و تحلیل ریشه های تاریخی توسعه نیافتگی مبتنی بر عملکرد دولتها می باشد. بر اساس این تئوری که به دولتمردان اتخاذ راه توسعه بومی، پرهیز از شخصی گرایی، نزاع و خشونت، رانت غیر مولد و دوری از تجاوز به حقوق مالکیت را پیشنهاد می کند. با توجه به بررسی های انجام شده در این پژوهش در مورد عملکرد اقتصاد سیاسی دولت های نهم و دهم، نتایج نشان داد که دولت های مذکور، صرفاً به دنبال «سیاست های اقتصادی بازتوزیعی» با همان محیط رانتی بر آمدند و در برنامه ریزی، رویکرد نورث را جدی نگرفتند. بخش زیادی از اقتصاد سیاسی ایران از

جمله رشد نقدینگی بالا، کاهش فقر و تورم بالای چهل درصد در دولت‌های نهم و دهم ارتباط مستقیم با ساختار دسترسی محدود دارد و عواملی مثل شخصی‌گرایی، درگیری و رانت نامولد در بوجود آمدن آن موثر بودند. دولت‌های مذکور نتوانستند با تغییر مسیر نهادی تاریخی و اصلاح آن که مورد تأکید نورث است، از ساختار رانتی‌رهای یابد و به همین دلیل آسیب‌های زیادی به کشور وارد ساخت. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که نظم اجتماعی ایران در دولت‌های نهم و دهم نظم دسترسی محدود بوده است. این ساختار به همراه ماهیت ساخت دولت رانتی و سیاستگذاری با جهت منفعت برای فرادستان، ضعف قانون، عدم امنیت حقوق مالکیت غیرفرادستان و از سویی نگاه شخصی و فاصله از رویکرد سازمانی و نبود ائتلاف و همدلی و وجود مناسبات رانتی از نوع رانت نامولد منجر به موفقیت کمتر وی در دستیابی به رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی گردید. اقتصاد سیاسی دولت‌های نهم و دهم نشان داد داشتن درآمدهای هنگفت نفتی به تنهایی راه را برای توسعه هموار نمی‌سازد. بنابراین برای رسیدن به توسعه یافتگی، ضرورت کاربست نظریه نظم اجتماعی نورث برای طراحی ساختار نهادی مناسب در ایران، اجتناب ناپذیر است.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹). تاریخ ایران مدرن. ترجمه: محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
- امامی، قاسم، ابطحی، سیدمصطفی، و مطلبی، مسعود (۱۴۰۲). کالبدشکافی توسعه از منظر داگلاس نورث با تحلیل انتقادی گفتمان نهادگرایی نوین: درسی برای ایران. مطالعات سیاسی، ۱۵(۱)، ۴۱-۷۰.
- بخشایشی اردستانی، احمد، جمالی اسگویی، سیدجمال، و بنی هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی فساد در جمهوری اسلامی ایران. مجلس و راهبرد، ۲۷(۱۰۱)، ۶۰-۴۸.
- بخشایشی اردستانی، احمد، و رضایی جوزانی، نیکو (۱۳۹۷). بررسی میزان تحقق عدالت اجتماعی در دولت های پس از انقلاب بر اساس اندیشه امام خمینی (۱۳۹۲-۱۳۶۸). مطالعات سیاسی، ۱۰(۴۰)، ۳۶-۴۵.
- برزگر، ابراهیم، و حسین زاده، صیاد (۱۳۹۶). نقد و بررسی سیاست گذاری دولتی در ایران بر اساس الگوی تحلیلی اسنلن (مطالعه موردی طرح توزیع سهام عدالت). دولت پژوهی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳(۱۲)، ۱۲۵-۱۱۸.
- توحیدی، مهرداد، شاهي، محمد شریف، احمدی، سیدمحمدصادق، و دائی کریم زاده، سعید (۱۳۹۹). تحلیل ابعاد حقوقی نظارت بانک مرکزی بر نظام بانکداری در ایران. تحقیقات حقوق خصوصی، ۴۵(۹۵)، ۱۱۰-۱۲۲.
- توسلی، سید مجید، و اسمعیلی، مهدی (۱۳۹۹). بررسی راه کارهای موفق غیر رانتهی شدن دولت های ایران از منظر جامعه شناسی سیاسی مالی. جامعه شناسی سیاسی ایران، ۳(۴)، ۲۲۸۲-۲۲۷۰.
- خاتمی، عباس، و کلاته، فرزاد (۱۳۹۳). دولت در پیرامون و پیرامون در دولت؛ سندروم های درهم تنیدگی اقتصاد، سیاست و اجتماع». مطالعات راهبردی، ۱۷(۱)، ۳۰-۱۷.
- حاج یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۸). دولت و جهانی شدن در خاورمیانه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حاجیلو، محمدحسین (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی سیاست های دولت های پس از جنگ تحمیلی در شاخص های خصوصی سازی و ادغام در اقتصاد جهانی (مطالعه موردی دولت های خاتمی و احمدی نژاد). رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۱۱۰-۱۰۰.
- حیدری، نصرت الله، و جمشیدی، محسن (۱۳۹۵). نقش و جایگاه سازمان های مردم نهاد در مشارکت در دوران ریاست جمهوری خاتمی، احمدی نژاد و روحانی. علوم سیاسی، ۱۲(۳۶)، ۱۴۰-۱۵۵.

خدابخشی، لیلا، خالدی، احسان، و آسوده، رضا (۱۳۹۷). مقایسه شاخص‌های عملکرد اقتصادی دولت ایران در زمان ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد با حسن روحانی. راهبرد سیاسی، ۷(۷۰)، ۹۰-۱۰۵.

رضا قلی، علی (۱۳۸۵). نهادهای غارتی در اقتصاد ایران (اگر نورث ایرانی بود). اقتصاد و جامعه، ۷، ۸۵-۱۲۰.

رنانی، محسن (۱۳۹۵). نظم شکن در شکن. دریچه، ۴۰، ۲۰-۸.
رنجبرکی، علی (۱۴۰۰). اقتصاد سیاسی توسعه خواهی دولت در ایران بررسی نظریه دسترسی باز و محدود داگلاس نورث در دوره جمهوری اسلامی. پژوهش سیاست نظری، ۱۶(۳۰)، ۱۸۳-۱۵۵.
زاهدی، محمدجواد، و نوائی لواسانی، محمود (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران از منظر بازنمایی و کاربست نظریه رفاه و عدالت اجتماعی (با تأکید بر برنامه پنجم توسعه). تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱(۱)، ۹۰-۷۰.

سبحانی، حسن، مومنی، فرشاد، و چهاربند، فرزانه (۱۳۹۷). تبیین مجاری تولید رانت در نظام بانکی ایران با رویکرد اقتصاد سیاسی نهادگرایی. مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، ۷(۲۸)، ۲۶۹-۲۵۰.
سبحانی، حسن، و چهاربند، فرزانه (۱۳۹۷). تبیین رانت جویی از طریق مجاری قانونی با رویکرد اقتصاد سیاسی: تحلیلی بر قانونگذاری در نظام بانکی ایران. مجلس و راهبرد، ۲۵(۹۴)، ۲۸۰-۳۶۸.
سریع القلم، محمود (۱۳۸۱). عقلانیت و آینده توسعه یافتگی در ایران. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

سمیعی اصفهانی، علیرضا، دهقان، حوریه، مختاری، علی، و باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۹). اقتصاد سیاسی پوپولیستی، رویکرد اقتصاد سیاسی به سیاست‌های اقتصادی دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۳(۲)، ۶۰۰-۵۹۵.
شاه طهماسبی، اسماعیل، جوادیان، مجید، و نیکبخت، محمدجواد (۱۳۹۱). بررسی نقش اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط صنعتی در ایجاد اشتغال مورد مطالعه: کارگاه‌های صنعتی شهر تهران. علوم اقتصادی، ۱، ۷۰-۳۴.

صفری شالی، رضا، و هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۲). گفتمان عدالت در لوایح برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر کاهش فقر و محرومیت). علوم اجتماعی، ۶۱، ۶۶۵-۶۵۰.

غفاری، مسعود، صادقی، سقدل، و باشدجهرمی، هادی (۱۳۹۸). تاثیر دولت رانتیر بر فرآیند خصوصی سازی، مطالعه موردی ایران بعد از انقلاب. سیاست گذاری عمومی، ۹(۳۰) ۷۵-۹۰.

غفاری، مسعود، و رستم پور، محمد (۱۴۰۰). نسبت تمرکزگرایی و حکمرانی خوب در دولت های نهم و دهم. پژوهش های سیاسی جهان اسلام، ۱۱(۱)، ۱۸۰-۱۶۰.

فوزی، یحیی (۱۳۹۵). تحول دولتها و عملکرد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. جستارهای سیاسی معاصر، ۷(۳)، ۴۸-۳۵.

فیرحی، داود، و پورعلی، سعید (۱۳۹۴). تحلیل گفتمانی سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی. سیاستگذاری عمومی، ۱(۴)، ۱۶۰-۱۴۵.

قارآخانی، سلمان، رنانی، محسن، کریمی، زهرا، مومنی، فرشاد (۱۴۰۰). ایران در زیر چتر حاکمیت طبیعی (مطالعه موردی عصر پهلوی دوم). رشد و توسعه اقتصادی، ۱۱(۴۲)، ۱۷۰-۱۵۵.

کاظمیان، غلامرضا، خدر فرجی‌راد، و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۲). آسیب شناسی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در ایران از دیدگاه رویکرد نهادی. فرآیند مدیریت توسعه، ۲۶(۲)، ۴۰-۱۵.

گرائی نژاد، غلامرضا، و وفائی، الهام (۱۴۰۱). ریشه یابی آسیب‌های نظام برنامه‌ریزی برای کاربست در تدوین نظام برنامه‌ریزی مطلوب. مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه کشور، کد شناسه ۱۰۳۷۶-۱۰-۱۴۰۱، ۲۵-۱.

گرگی ازندریانی، علی اکبر، و شفیعی سردشت، جعفر (۱۳۹۲). در جست وجوی دولت مدرن در ایران: سرنوشت لویاتان ایرانی. پژوهش های حقوقی، ۲۳، ۸۵-۷۰.

گلشنی، علیرضا، و شهبازی، عزیزالله (۱۳۹۵). سیکل تجاری سیاسی: مطالعه موردی دولت های سیدمحمد خاتمی و محمود احمدی نژاد. رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۰(۳۵) ۹۵-۸۲.

مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۴). چشم اندازهای فراروی تأمین اجتماعی در ایران» چالش‌ها و راه‌کارهای پیشینی شده در لایحه نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. تأمین اجتماعی، ۱۵(۵)، ۸۰-۶۰.

مسعودنیا، حسین، امام جمعه زاده، سیدجواد، شهرام نیا، امیر مسعود و صفریان، روح‌الله (۱۳۹۸). الگوی حکمرانی خوب و توسعه اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷). رهیافت های سیاسی و بین‌المللی، ۱۱(۲)، ۱۱۰-۹۴.

مصطفوی، سیدمحمد حسن (۱۳۹۶). مروری بر برنامه های توسعه کشور با تاکید بر برنامه ششم و مقایسه آنها با معیار برخی شاخص های مرتبط با اقتصاد اسلامی. اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۸، ۸۵-۹۹

مصلی نژاد، عباس، و یزدانی زازرانی، محمدرضا (۱۳۹۲). ارزیابی پسینی اجرای فاز نخست اجرای قانون هدفمندکردن یارانه ها از منظر نتیجه بخشی (از زمان اجرا تا پایان سال ۱۳۹۱). مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۱)، ۳۰-۷.

مصلی نژاد، عباس (۱۴۰۰). دولت، توسعه و بحران های اجتماعی ایران. سیاست، ۵۱ (۲)، ۵۸۵-۵۷۲. مطلبی، مسعود، نودیجه، حسین علی، و بای، عبدالرضا (۱۴۰۰). تحلیل سیاست های اقتصاد سیاسی دولت های بعد از انقلاب اسلامی بر مبنای الگوی حکمرانی خوب مطالعه موردی دولت احمدی نژاد. نگرش های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۳)، ۶۰۰-۵۸۰.

مطلبی، مسعود، و ملک پور، حمید (۱۳۹۸). اقتصاد رانتیری، دولت و طبقه متوسط فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. سپهر سیاست، ۶(۲۲)، ۴۵-۳۵.

مهرعلی تبار فیروزجایی، مرتضی (۱۴۰۱). فراتحلیل مطالعات هفتاد سال برنامه ریزی توسعه در ایران به منظور کاربست در تنظیم نظام نامه تدوین برنامه هفتم توسعه کشور. مرکز پژوهش های توسعه و آینده نگری سازمان برنامه و بودجه کد شناسه ۱۰۳۷۹-۱۰-۱۴۰۱، ۲۰-۱ مومنی، فرشاد (۱۳۷۴). کالبدشکافی یک برنامه توسعه. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

مومنی، فرشاد و نیکو نسبیتی، علی (۱۳۹۶). رویکرد نهادی به توسعه و دلالت های آن برای ایران. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۷(۶۴)، ۵۰-۴۰.

مومنی، فرشاد، شاکری، عباس، عرب مازار، علی، و عظیمی، سید محسن (۱۳۹۸). تحلیلی بر ویژگی های ضد فساد با تاکید بر ساختار نظم اجتماعی. سیاست گذاری اقتصادی، ۱۱(۲۱)، ۱۱۸-۱۰۰.

نورث، داگلاس (۱۳۸۵). عملکرد اقتصادی در گذر زمان. ترجمه: مهدی بی نیاز، راهبرد یاس، ۸، ۷۰-۸۸

نورث، داگلاس (۱۳۷۹). ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی. ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی تهران: نشر نی.

نورث، داگلاس، والیس، ژان جوزف و وینگاست، باری (۱۳۹۵). سیاست، اقتصاد و مسائل توسعه در سایه خشونت. ترجمه: محمدحسین نعیمی پور و محسن میردامادی، تهران: روزنه.

نورث، داگلاس، والیس، ژان جوزف، و وینگاست، باری (۱۳۹۶). خشونت و نظم‌های اجتماعی، چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ ثبت شده بشر. ترجمه: جعفر خیرخواهان و رضا مجیدزاده، تهران: روزنه.

نورث، داگلاس، والیس، ژان جوزف و وینگاست، باری (۱۳۸۵). چهارچوب مفهومی برای تفسیر تاریخ مکتوب بشری. ترجمه: جعفر خیرخواهان، اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، ۳، ۱۸-۳۰ نیلی، مسعود (۱۳۹۳). گذرگاه سخت توسعه. تجارت فردا، ۳ (۹۴)، ۳۸-۵۴.
هادی زنوز، بهروز و مهرآذین، شفق (۱۳۹۲). مطالعه پیامدهای اقتصادی اجرای قانون هدفمندسازی یارانه ها. مهندس مشاور، شماره ۵۴.

- Baland, Jean- Moene., Moene, Karl- Ove., & James.A. (2010). Governance and Development. Center for Research in the Economics of
- Robinson, J. A., & Acemoglu, D. (2012). Why nations fail: The origins of power, prosperity and poverty (pp. 45-47). London: Profile.
- North, D. C. (2007). Limited access orders in the developing world: A new approach to the problems of development (Vol. 4359). World Bank Publications.
- North, D., Wallis, J. J., & Weingast, B. (2006). A conceptual framework for interpreting recorded human history.